



Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi

Academic Journal of History and Idea

ISSN: 2148-2292

11(6) 2024

Derleme Makale | Review Article

Geliş tarihi | Received: 17.11.2024

Kabul tarihi | Accepted: 10.12.2024

Yayın tarihi | Published: 25.12.2024

Mohammad Ekram Yawar

<https://orcid.org/0000-0003-3198-5212>

Dr., Turkey, ekramyawar93@gmail.com

Atf Künyesi | Citation Info

Yawar, M. E. (2024). *Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi*, 11 (6), 4672-4687. *حمایت از اقلیت های قومی در حقوق بین الملل باتوجه بر حقوق اقلیت های قومی در افغانستان*

حمایت از اقلیت های قومی در حقوق بین الملل باتوجه بر حقوق اقلیت های قومی در افغانستان

چکیده

تحقیق حاضر برمساله حقوق اقلیت ها از منظر حقوق بین الملل پرداخته شده است، سوالی را که دنبال جوابش درین تحقیق بودیم جایگاه و حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل میباشد؟ با توجه برموضوع فوق تحقیق حاضر بر موضوع فوق پرداخته است باتوجه بر فرضیه تحقیق فوق که بر مبنای این موضوع بنا یافته بود که اقلیت ها از جایگاه اساسی در حقوق بین الملل بر خور دار میباشد و در اکثریت قوانین بین المللی حقوق اقلیت ها لحاظ شده است. این موضوع ثابت گردید که اقلیت ها از جایگاه اساسی در حقوق بین الملل بر خور دار میباشد، از لحاظ ماهوی حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل لحاظ گردیده است، اما از لحاظ عملی تا هنوز جامعه بین المللی قادر براین نشده است تا حقوق اقلیت هارا در جهان تامین نماید. در نتایج تحقیق حاضر روی حقوق اقلیت ها در افغانستان بحث صورت گرفت و این موضوع روشن گردید که اقلیت های مذهبی و دینی در افغانستان از حقوق اساسی برخوردار نمی باشد. و تاهنوز در افغانستان اقلیت های دینی و مذهبی با چالش های فراوان رو برومیباشد

کلید واژه ها: حقوق بین الملل، اقلیت ها، حمایت، افغانستان



<https://dergipark.org.tr/tr/pub/atdd>

Protection of ethnic minorities in international law on the rights of ethnic minorities in Afghanistan

Abstract

The present study has addressed the issue of minority rights from the perspective of international law. The question we sought to answer in this study is: What is the status and rights of minorities in international law? Considering the above topic, the present study has addressed the above topic, considering the hypothesis of the above research, which was based on the fact that minorities enjoy a fundamental position in international law and that minority rights have been included in the majority of international laws. It has been proven that minorities enjoy a fundamental position in international law, and in terms of substance, minority rights have been included in international law, but in practical terms, the international community has not yet been able to ensure the rights of minorities in the world. In the results of the present study, a discussion was held on the rights of minorities in Afghanistan, and it became clear that religious and ethnic minorities in Afghanistan do not enjoy fundamental rights. And religious and ethnic minorities in Afghanistan are still facing many challenges.

Keywords: International law, minorities, protection, Afghanistan

مقدمه

بشر از بدو پیدایش خود در یکی از گروه های قومی تعلق داشته است، تعلق داشتن به یک قومیت یک امر طبیعی و فطری است. بعضی افراد بر گروه های قومی تعلق دارند که از لحاظ نفوس در اکثریت می باشد و بعضی از افراد به گروه های قومی تعلق دارند که در اقلیت بسر میبرند. در جوامع دموکراتیک انسان ها از حقوق برابر بر خور دار میباشند و نگرانی از اقلیت بودن و اکثریت بودن وجود ندارد به میزانی که یک کشور دچار بی ثباتی میگردد و نهاد های دولت ضعیف میگردد به همان میزان اقلیت های قومی آسیب پذیر می گردد در شرایط بحرانی اقلیت ها همواره مورد تجاوز و بی رحمی اکثریت ها قرار گرفته است. نمونه های برجسته از کشمکش ها میان اقلیت ها و اکثریت های قومی در جهان وجود دارد و تاریخ نیز این را اثبات ساخته است که در جوامع که دارای بنیان های فکری و ساختاری ضعیف هستند اقلیت ها همواره قربانی بوده اند.

اگر چه از لحاظ حقوق بین المللی انسان ها دارای حقوق مساوی می باشد و هرگونه تبعیض در میان شهروندان نفی شده است اما قوانین بین المللی با تمام سازو برگ های خویش نتوانسته است جلو تبعیض بر علیه اقلیت های قومی را بگیرد. افغانستان یکی از کشور های می باشد که دارای بیشتری اقلیت های قومی می باشد، در تاریخ سیاسی افغانستان یکی از مشکلات عمده دولت افغانستان کشمکش ها میان اقلیت های قومی در افغانستان مشکل ساز بوده است و به عنوان مانع توسعه عمل نموده است. افغانستان به عنوان کشوری جهان سومی هیچ گاه نتوانسته جلو تبعیض بر علیه اقلیت های قومی را در افغانستان بگیرد و به عنوان مدافع حقوق اقلیت ها ظاهر شود. تاریخ سیاسی افغانستان این مطلب را واضح ساخته است که بعضی از حکومت های در افغانستان در تبنانی با بعضی از کشور های غرب در افغانستان روی کار آمده است که دست به پاک سازی های قومی زده است در حد توان تلاش نموده است تا اقلیت های قومی را در افغانستان در حاشیه نگهدارد. هر آنچه به عنوان اقلیت در افغانستان مورد بحث است شامل تمام اقوام در افغانستان میگردد افغانستان خانه اقلیت های قومی می باشد اما بعضی از اقلیت های قومی چون دست بلند تر در لابی سازی های سیاسی داشته است توانسته است جایگاه سیاسی خود را در افغانستان تثبیت

نموده و قدرت را قبضه نماید اما بر عکس اقلیت های قومی که از قدرت دور نگهداشته شده است همواره مورد ظلم و تجاوز صاحبان قدرت در افغانستان بوده است.

با توجه بر مطالب که در فوق ذکر شد حقوق بین الملل نتوانسته است کاری برای اقلیت های قومی در افغانستان از پیش ببرد و از مهاجرت بعضی از اقلیت های قومی در افغانستان جلوگیری نماید. نمونه برجسته ناکارایی حکومت افغانستان مهاجرت های دسته جمعی هندو ها و سیک ها از افغانستان میباشد که دولت افغانستان نتوانست جلو مهاجرت های دسته جمعی شان را بگیرد.

در تحقیق فوق در صدد این هستیم تا دریابیم که حمایت از حقوق اقلیت های قومی در حقوق بین الملل از چه جایگاه بر خور دار می باشد؟ آیا موارد که در حقوق بین الملل برای حمایت از حقوق اقلیت های قومی تذکر رفته است برای حفاظت از ارزش های مادی و معنوی اقلیت های قومی و مذهبی بسنده می باشد یا نه؟ هم چنین تحقیق حاضر در تلاش است تا با استفاده از موارد حقوق بین الملل در رابطه به حقوق بین الملل موارد متذکره را به بحث گرفته و آنرا در مسایل افغانستان در رابطه به اقلیت های قومی و مذهبی تعمیم بدهد.

پرسش های پژوهش

با توجه بر آنچه در فوق گفته شد پرسش اصلی در ین پژوهش که در پی پاسخ آن هستیم عبارت از این است که:

1. اقلیت ها از منظر حقوق بین الملل از چه جایگاه بر خور دار میباشد؟

سوالات فرعی:

1. اسناد های بین المللی تا چه میزانی برای حفظ حقوق اقلیت ها توجه داشته است؟

2. اسناد های بین المللی تا چه حد توانسته است در تحقق خواسته های اقلیت های قومی در افغانستان تاثیر گذار باشد؟

فرضیه

به نظر میرسد اسناد های بین المللی در رابطه به حفظ حقوق اقلیت ها از جامعیت بر خور دار بوده و میتواند برای حفظ حقوق اقلیت ها در جهان موثر واقع گردد.

فرضیه های فرعی

1 به نظر میرسد اسناد های بین المللی می تواند برای اقلیت ها در جهان تامین عدالت نماید.

2 به نظر میرسد که اسناد های بین المللی در رابطه به تامین عدالت برای اقلیت های قومی و مذهبی در افغانستان ناکام بوده است.

اهمیت مسئله

افغانستان کشور اقلیت های قومی می باشد می توان این مطلب را اذعان نمود که در افغانستان تمام گروه های قومی در اقلیت قرار دارند اما بعضی از اقوام از قدرت بیشتر و بعضی بنا بر ملاحظات کمتر در قدرت سهم اند یا به نحوی در اقلیت قرار گرفته اند. تحقیق حاضر می تواند برای هر محقق و هر خواننده این موضوع را روشن سازد که حقوق بین الملل در رابطه به حفظ حقوق اقلیت های قومی و مذهبی کدام مسئولیت ها را متوجه دولت میسازد. هم چنین این تحقیق می تواند روشن سازد که دولت افغانستان تا چه اندازه توانسته است در ارتباط به حفظ حقوق اقلیت های در چارچوب حقوق بین الملل عمل نماید. با توجه بر موضوعات فوق تحقیق حاضر می تواند از اهمیت ویژه بر خور دار گردد.

مبانی و ماهیت نظری حقوق اقلیت ها

(۱) اقلیت

در مورد اصطلاح اقلیت تعریف واحدی وجود ندارد که مورد توافق تمامی اندیشمندان و نهادهای بین المللی باشد، هر چند تلاش های زیادی از سوی سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی جهت ارائه تعریف دقیق و کاملی از اقلیت صورت گرفته است. در یادداشت دبیر کل سازمان ملل متحد در تاریخ 27 دسامبر ۱۹۴۹ آمده است که: «با آنکه از نقطه نظر علمی به دشواری میتوان تعریف واقعاً دقیقی از اصطلاح اقلیت ارائه داد. ولی در واقع اصطلاح اقلیت امروزه غالباً در مفهوم محدودتری به کار می رود. اکنون مرسوم است که این اصطلاح عمدتاً برای دسته به خصوصی از اجتماع استفاده می شود که از گروه برتری که در کشور زندگی می کنند متمایز شده اند. همچنین درباره اقلیت در دایره المعارف بریتانیکا 2004 تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله این تعاریف عبارتند از:

گروه محدودی که از لحاظ نژادی، فرهنگی و قومی با گروه اکثریت حاکم زندگی می کنند. در تعریف دیگری از اقلیت در بریتانیکا آمده است «اصطلاح اقلیت که در علوم سیاسی و اجتماعی استفاده می شود عبارت است از یک گروه کمتری از افراد جامعه که بالاچار با گروه اکثریت زندگی می کنند. این گروه اقلیت معمولاً زیاد درگیر مسائل اجتماعی نیستند همچنین از امتیازات مساوی با اکثریت جامعه برخوردار نمی گردند، مضافاً این که گروه اقلیت جامعه از لحاظ قدرت سیاسی ضعیف تر از گروه اکثریت جامعه می باشند» (Farhang, 2004, s. 56).

پاتریک ترنبری نویسنده کتاب ارزشمند حقوق بین الملل و حقوق اقلیتها، اقلیت را گروهی می داند که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند، در عین حال اعضای آن تبعه آن کشور هستند و ویژگی های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم مذهب یا زبان خود هستند.

در کتاب فرهنگ علوم سیاسی آمده است «اقلیت در حقوق بین الملل به گروهی از مردم اطلاق می شود که دارای نژاد، فرهنگ، سنن یا مذهب جداگانه ای غیر از فرهنگ و مذهب غالب کشوری هستند که در آن زندگی می کنند» (Bayat, 1398). حقوق و مزایای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اقلیتها معمولاً در قوانین اساسی کشورها ذکر می شود. در کشورهایی که معمولاً سیاست تبعیض نژادی را دنبال می کنند، مسأله اقلیتها یک مشکل عمده داخلی را تشکیل داده و گاه جنبه بین المللی می یابد «آنچه که میتوان گفت اینکه اقلیت لزوماً تعداد کمتر جمعیت کشور نبوده و دارای خصوصیات قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت با اکثریت افراد جامعه می باشند که اکثریت نیز به لحاظ جمعیتی می تواند کمتر از اقلیت باشد. حس همبستگی و اراده جمعی ضامن بقاء آنها بوده و هدف ایشان دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم است» (www.dailyafghanistan.com).

تعریف مورد وفاقی در این زمینه وجود ندارد. جامع ترین تعریفی که در ادبیات حقوقی مورد استناد قرار می گیرد، این است: «اقلیت عبارت است از گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کم تر از بقیه جمعیت کشور باشند و افراد آن در عین دارا بودن تابعیت، ویژگی های قومی، زبانی و مذهبی متفاوت با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در راستای حفظ فرهنگ، و ویژگی های خاص خود هستند؛ هدف آنان دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم می باشد.

بر اساس این تعریف:

۱- تعداد افراد اقلیت کم تر از اکثریت است؛

۲- اقلیت ها به حفظ ویژگی های خاص و فرهنگ دیرینه شان علاقمندند؛

۳- آن ها در حاکمیت نقشی ندارند؛ به تعبیر بهتر، از حق مشارکت سیاسی محروم اند(www.8am.af).

غالباً اقلیت ها در هر جامعه مردمان مظلومی هستند که هیچ گاه نتوانسته اند با ستمگران حاکم بر کشور تحت عنوان یک ملت در آمیزند و از حقوق کامل شهروندی برخوردار شوند، بلکه به عنوان شهروند درجه دوم از حقوق و آزادی های اساسی محروم مانده اند. حاکمان جابر اقلیت ها را بیگانه حساب نموده و با تبعیض با آنان رفتار کرده اند. تلاش ها و اقدامات بین الملل در دو بُعد متمایز انجام گرفته است:

1. جلوگیری از تبعیض های ناروا؛

2. حمایت از اقلیت هایی که خواهان رفتار یکسان با اکثریت بوده و در راستای حفظ هویت فکری، فرهنگی خود نیز تلاش می ورزند.

(۲) قومیت

امروزه کمتر دولتی وجود دارد که همه افراد و اتباع آن کشور از يك نژاد بوده و دارای فرهنگ و قومیت واحد و زبان یکسان باشند. در این کشورها که به کشورهای چند ملیتی (multi inational) معروفند مثل ایران، سوئیس، هندوستان... جوامع و گروههایی وجود دارند که در مسائل زبانی، فرهنگی و تاریخی ویژگی های مشترک خود را دارند. همچنین مسأله رعایت حقوق قومیتها و عدم تبعیض میان اقلیت و اکثریت مورد توجه ملتها، دولتها و سازمانهای بین المللی بوده و بر همین اساس مقررات و تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیتها و تأمین امنیت و زندگی مسالمت آمیز اقوام گوناگون در نظر گرفته شده است. در جهان امروز گاهی اوقات شاهد برخوردهای خشونت بار، خصمانه و ویرانگر گروههای مختلف و یا اقدامات خلاف حقوق بشر گروه اکثریت علیه اقلیت برای پاکسازی قومی، الیناسیون، نابودی هویت و تاریخ قوم خاص و ... بوده ایم. یکی از اصول بنیادی حقوق بشر این است که همه انسانها آزاد زاده می شوند و باید از حرمت و حقوق برابر برخوردار باشند.

تبعیض قائل شدن و تعقیب قضایی بر پایه نژاد و قومیت تخطی آشکار از این اصل است. تبعیض علیه قومیتها می تواند شکلهای مختلفی داشته باشد. بی رحمانه ترین آن نژاد پرستی است. نسل کشی، آپارتاید و صورتهای کمتر آشکار تضییع حقوق ملتها (آسیمیلاسیون، نابودی فرهنگی، تحقیر و توهین علنی و رسمی؛ کوچ اجباری و ...) همگی از شیوه های نژاد پرستانه محسوب می شود. این شیوه ها گروههای قومی را از داشتن برابری حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با سایر گروههای اجتماعی محروم می کند. تبعیض های قومی و نژادی همچنان یکی از معضلات اصلی جهان امروز است که اقلیتها و گاهی اکثریتها از آن رنج می برند. بیشتر تلاش های نخستین فعالین بین المللی حقوق بشر معطوف به مسئله آپارتاید در آفریقای جنوبی بود که در سال 1994 به آن خاتمه داده شد. با این حال مبارزه با نفرت و تبعیض قومی و نژادی ادامه دارد. به خصوص در دهه 1990 که برخی از بدترین مناقشات قومی جهان در بالکان و در ناحیه دریاچه های بزرگ آفریقا (در کشور رواندا و بروندي) رخ داد مسئله حقوق قومیتها دوباره به صورت حادثه تاریخی مطرح شد. افزایش فعالیت مبارزان ملی هویت طلب و آزادیخواه و رشد چشمگیر حرکتهای ملی گرایانه در آسیا و خاورمیانه بر اهمیت این امر افزوده است(www.shafaqna.com).

۳) نظریات در رابطه به قوم و قومیت

مارتین پالمر معتقد است، یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌های در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت واقعی یا احساسی و ادراکی دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک است. هم چنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر، حویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین، و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می‌باشد که هویت گروه‌های دیگر می‌سازد. آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند (Bulmer, 1986).

و بر در تعریف گروه قومی می‌گوید: گروه‌های انسانی که دارای باورهای ذهنی به اجداد مشترک هستند باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد^۱ (Roland, 2019).

فرد ریک بارث معتقد است: جمعیتی که دارای خود مختاری در باز تولید زیستی خود و ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی باشد، درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند و دارای احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند (Roland, 2019).

۴) نژاد

لغت نامه انگلیسی کالینز نژاد را چنین تعریف می‌کند: گروهی از مردم دارای نیای مشترک که ویژگی‌های ظاهری متمایزی دارند (مانند رنگ یا نوع پوست یا مو یا قامت)». همین لغت نامه قوم را چنین تعریف می‌کند: «گروه‌هایی انسانی که ویژگی‌های نژادی، دینی، زبانی و دیگر ویژگی‌های مشترک دارند». در قانون حقوق بین‌المللی حقوق بشر واژه نژاد معنایی گسترده‌تری دارد و اغلب به تمایز مبتنی بر دین، قومیت، گروه اجتماعی، زبان و فرهنگ اطلاق می‌شود. در حقوق بشر بین‌المللی گاهی نژاد برای اطلاق به گروه‌هایی که نیای زیستی و ژنتیکی مشترک ندارند هم به کار می‌رود. مثلاً نظام‌های کاستی در هند یا ژاپن (Emadi, 1997).

ماده 1 از کنوانسیون بین‌المللی برای امحای تبعیض نژادی (مصوب 1965) تعریف از نژاد ارائه نمی‌دهد اما تبعیض نژادی را چنین تعریف می‌کند: هرگونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا ترجیح بر پایه نژاد، رنگ، نیا، یا منشأ ملی یا قومی که هدف یا نتیجه آن لغو یا محدودیت حق برابر اقلیتها در برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه دیگر حیطه‌های حیات اجتماعی باشد». به این ترتیب قومیت به غلط صراحتاً ذیل تعریف نژاد گنجانده شده است (Emadi, 1997).

۵) حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل

در بیشتر کشورها، اقلیت‌هایی زندگی می‌کنند که از نظر قومی، مذهبی و زبانی با اکثریت جامعه متفاوت هستند و همواره حمایت از این گروه‌ها به گونه‌ای که مداخله در امور داخلی کشور محسوب نشود؛ محل بحث و نظر می‌باشد. شاید مسئله اقلیت‌ها از لحاظ تاریخی به دوران باستان و تأسیس امپراتوری‌های بزرگ باز گردد (Zulhyn, 1374).

البته این مسأله به تدریج جنبه‌های دینی، ملی و نژادی به خود گرفته است. از قرن هفدهم به بعد در برخی معاهدات دو جانبه و چند جانبه و نیز در معاهده معروف و ستفاليا که سنگ بنای حقوق بین‌الملل نوین است، حمایت از اقلیت‌های دینی به چشم می‌خورد. هدف این بود که اقلیت‌ها بتوانند آزادانه مذهبی را بپذیرند و آشکارا به آن عمل نمایند (Zamani, 1386).

به طور مشخص اوایل قرن بیستم آغاز پرداختن به این مسئله در حقوق بین الملل است. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، تغییرات عمده‌ای در مرزهای برخی از کشورها پدید آمد و کشورهای جدیدی به صحنه بین‌المللی راه یافتند. این امر باعث اختلاط نژادی، مذهبی و زبانی ملت‌ها شد و منجر به سکونت اقلیت‌ها در این کشورها گردید. با تشکیل جامعه ملل، این پیشنهاد مطرح گردید که بخشی از میثاق جامعه به وضعیت اقلیت‌ها بپردازد، ولی با مخالفت برخی از دولت‌ها روبرو گردید؛ اما سرانجام حقوق و امتیازاتی برای آنان در نظر گرفته شد. روش حمایت از اقلیت‌ها در جامعه ملل، شامل يك آیین‌نامه نظارتی بود که اقلیت‌ها می‌توانستند، در مورد وضعیت خود، از کشور متبوع خویش به شورای جامعه ملل شکایت کنند. چنانچه میان شورا و کشور ذی‌نفع اختلاف نظر پیش می‌آمد، مسئله به دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌گردید و رأی دیوان در این باره، قطعی و لازم‌الاجرا بود (Zamani, 1386).

پس از انحلال جامعه ملل تا به امروز، هیچ سند بین‌المللی الزام‌آور دیگری که به حمایت از اقلیت‌ها بپردازد، تنظیم نشده است. البته به این معنی نیست که حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد، تمایلی به حمایت از اقلیت‌ها نداشته باشند، بلکه این حمایت به صورت غیر مستقیم در اسناد متعدد حقوق بشری آمده است. به عبارت دیگر این اسناد حفظ حقوق همه افراد از جمله اقلیت‌ها را بدون هیچ‌گونه تمایزی در نظر گرفته است.

۶) حقوق اقلیت‌ها در میثاق جامعه ملل

جامعه ملل به عنوان اولین سازمان بین‌المللی در راستای حمایت از حقوق اقلیت‌ها اقداماتی انجام داد؛ از جمله در پیش نویس دوم میثاق جامعه ملل چنین مقرر داشت: جامعه ملل از کلیه کشورهای جدید می‌خواهد که به عنوان مقدمه ای برای شناسایی استقلال و خود مختاری، خود را ملزم به رفتار یکسان و تأمین امنیت حقیقی و حقوقی برای کلیه اقلیت‌های ملی و نژادی حوزه قضایی خود بدانند؛ همان‌گونه که در مورد اکثریت قومی و ملی مردم خود عمل می‌کنند (Walters, 1937).

در پیش نویس سوم میثاق، ماده ای در دنباله این مطلب افزوده شد که ناظر به آزادی مذهب در حقوق نوین است: «از آن جا که آزار و شکنجه و عدم تحمل مذهبی منابع اساسی شعله ور ساختن جنگ‌ها هستند، طرف‌های معاهده توافق می‌نمایند که از تصویب هر نوع قانونی که مانع از عمل آزادانه به مذاهب شود، یا در این کار مداخله کنند، اجتناب نمایند.¹ جامعه ملل توفیق چندانی نداشت؛ زیرا به طور مطلوب نتوانست عمل کند. نظام جامعه ملل تحت تاثیر قدرت‌های بزرگ، واقعیت «حق حاکمیت مساوی» اقلیت‌ها را انکار و آنان را شهروندان درجه دوم جامعه بین‌الملل به شمار آورد. بنابراین، کشورهای جدید، جامعه ملل را تهدیدی برای ثبات داخلی‌شان می‌دانستند و همواره خواهان لغو آن بودند. در یک ارزیابی، از نظر حقوق بین‌الملل، معاهدات و اعلامیه‌های جامعه ملل گروه محور.

نبود، بلکه صرفاً حقوقی را برای اشخاص و افراد اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی قایل می‌شد. این نظام به دلیلی که بازتاب و تجربه تاریخی اروپا بود، کاربرد کلی و عمومی نداشت. هرچند مسأله تهاجم نازی‌ها به یهودیان و دیگر نسل‌کشی‌های سده بیستم موجب گردید تا رعایت حقوق اقلیت‌ها در جوامع به عنوان یک نیاز جدی مطرح گردد، اما ماهیت نامتجانس قومی و مذهبی کشورهای و عدم تضمین حقوق اقلیت‌ها از دستبرد اکثریت حاکم، تداوم نیاز به حمایت از آنان را امری ضروری می‌ساخت. به این ترتیب پس از جنگ دوم جهانی حقوق اقلیت‌ها تحت عنوان حقوق بشر تجلی پیدا کرد.

(۷) منشور ملل متحد و اصل عدم تبعیض

پس از جایگزینی سازمان ملل به جامعه ملل در سال 1945م. انتظار می‌رفت، حمایت از اقلیت‌ها در برنامه کار این سازمان قرار گیرد، ولی منشور ملل متحد فقط به بیان اصل عدم تبعیض بسنده نمود. مطابق بند 3 ماده اول و بند ج ماده 55 منشور: «کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین» خواهند بود. بر این اساس، اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت‌های عضو در پرتو اصل «عدم تبعیض» و برابری افراد با یکدیگر، در حمایت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند. با این وجود به نظر برخی عدم تصریح حقوق اقلیت‌ها در منشور ملل متحد تا اندازه‌ای حمایت از آنان را تضعیف نموده است (Manshur Sazman Malal).

(۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل برابری

در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 1948م. جایگاه ویژه‌ای دارد. سازمان ملل متحد در نخستین سال‌های فعالیت خود یعنی سال 1948م. در اجلاسیه پاریس این اعلامیه را تصویب نمود. هرچند این اعلامیه در ماهیت خود قانون نیست، ولی قوانین اساسی بسیاری از کشورها و نیز کنوانسیون‌های متعددی از مفاد و مندرجات آن الهام گرفتند، در نتیجه به سطح قواعد «عام الشمول» رسیده است.

مطابق ماده 2 این اعلامیه: «هر فردی بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های اعلام شده در این اعلامیه برخوردار است». برخی از کشورها این پیشنهاد را ارائه کردند که در اعلامیه به حقوق اقلیت‌ها تصریح شود، ولی به دلیل مخالفت کشورهایمانند شیلی، ایالات متحده آمریکا و استرالیا، این پیشنهاد رد شد. لذا نمی‌توان وجود اصل برابری و عدم تبعیض در این اعلامیه را نشان بذل توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها دانست (Halamiye huquq bashar).

(۹) کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی

در پاسخ به وحشی‌گری‌های قبل و پس از جنگ جهانی دوم یک معاهده بین‌المللی تنظیم شد تا در آن نسل‌کشی بر اساس حقوق بین‌الملل جرم دانسته شود. نسل‌کشی در این کنوانسیون هر گونه عملی است که هدف آن نابودی تمام یا بخشی مطابق ماده 2 این کنوانسیون: «ارتکاب جنایت به دلایل قومی، ملی یا مذهبی مشمول این کنوانسیون بوده و هر عملی که در جهت از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی، ارتکاب یابد، جنایت محسوب می‌گردد».

(۱۰) حقوق اقلیت‌ها در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که در آن به حمایت از حقوق اقلیت‌ها تصریح شده، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در یک تفسیر مثبت که از سوی گزارشگر سازمان ملل اعلام شده است، دو نتیجه از این ماده استفاده می‌شود: یکی این که کشورها نباید با اقداماتی که اقلیت‌ها برای حفظ و تقویت فرهنگ، مذهب و زبان خود انجام می‌دهند، مخالفت کنند؛ دیگر این که کشورها باید در راستای برقراری تساوی اکثریت با اقلیت اقداماتی را برای کمک به اقلیت‌ها در حفظ ارزش‌هایشان به عمل آورند. اصول مندرج در این ماده به رغم دیدگاه‌های گوناگون از اعتبار جهانی برخوردار است و جزو اصول حقوق بین‌الملل عمومی یا عرفی می‌باشند.

(۱۱) حقوق اقلیت‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر

هرچند در این اعلامیه که پس از منشور مهم ترین اسناد حقوق بشر به شمار می رود، به طور مشخص به حقوق اقلیت ها پرداخته نشده است، اما در عین حال، پاره ای از حقوق و آزادی های اساسی که در رابطه با حقوق اقلیت ها می باشد، در آن بیان شده است؛ از جمله حق آزادی فکر، وجدان و عقیده (Halamiye Huquq Bashar).

حق آزادی عقیده و بیان (Halamiye Huquq Bashar)

حق برگزاری اجتماعات صلح آمیز (Halamiye Huquq Bashar).

حق تحصیل (Halamiye Huquq Bashar).

حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه (Halamiye Huquq Bashar).

در زمان تهیه پیش نویس اعلامیه تلاش بر این بود که ماده ای در خصوص (اقلیت ها) گنجانیده شود، ولی با این پیشنهاد مخالفت شد. مخالفان عمدتاً از کشورهای مهاجرپذیر مانند ایالات متحده و امریکای لاتین بودند.

(۱۲) کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (مصوب ۱۹۴۸)

یکی از اولین معاهدات حقوق بشری پس از جنگ جهانی دوم که مطابق آن نسل کشی به معنای هر یک از اعمال زیر که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک ملت، گروه قومی نژادی یا مذهبی انجام می گیرد محکوم شده و بخشی از این وظیفه به ایفای حق حیات بر می گردد، که یک حق فردی استاندارد است. همچنین حفاظت علیه نسل کشی گروهها را در برابر تلاش برای محو یا ضربه زدن به آنها تأکید می کند که به ذکر مصادیق آن پرداخته می شود.

الف) کشتن اعضای گروه

ب) ایجاد آسیب جدی جسمی یا روانی

ج) گروه را به شرایطی دچار کردن که به نابودی جسمی کلی یا جزئی شان بیانجامد.

د) تحمیل شرایطی که قصد جلوگیری از زاد و ولد درون گروه

ه) انتقال قهری کودکان گروه به گروهی دیگر و حق محافظت در برابر نسل کشی

این حقوق عمدتاً سلبی است به این معنا که دولتها و دیگر موسسات را ملزم می دارد که از محو گروهها اجتناب کنند. اما این حقوق همچنین این حقوق مستلزم آن است که به این منظور ابزارهای قانونی و حمایتی دیگر نیز تأمین شوند. (Konwansiyon pishgiry va majazat janayat kushtar guruhi, 1949).

دولت ها موظف هستند تا گزارش پیشرفت های خود در جهت اعمال این معاهده را به طور دوره ای به این کمیته ارائه کنند. الزام ارائه این گزارش ربطی به این ندارد که آیا دولت مزبور معتقد به وجود تبعیض نژادی در حیطه حاکمیت اش می باشد یا خیر. همچنین دولت ملزم است تا با اتخاذ تدابیر آموزشی پیشگیرانه از این معاهده پشتیبانی کنند، حتی اگر این تبعیض را مشکل بالفعل کشور خود ندانند این کمیته همچنین می تواند با افراد و گروههایی که مدعی نقض حقوق خود در حیطه این معاهده هستند مکاتبه داشته باشند

(Konwansiyon binalmalali rafh har now tabhiz, nezadi).

(۱۴) کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶)

این معاهده اصلی دولتها را ملزم می‌کند تا حقوق مندرج در آن را بدون هرگونه تبعیض بر پایه رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، منشأ اجتماعی یا ملی ثروت، محل تولد و موقعیت اجتماعی به اجرا بگذارند (Munshur benalmalali huquq).

همچنین این معاهده دولتها را ملزم می‌کند تا در قانون خود هرگونه «نفرت ملی، نژادی یا مذهبی را که موجب افزایش تبعیض، خصومت، خشونت می‌شود ممنوع کنند» (ماده 20). به علاوه طبق این معاهده همه افراد در پیشگاه قانون برابرند و حق دارند بدون هیچگونه تبعیضی از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند (Munshur benalmalali huquq).

این حق باید برای اقلیتها محفوظ باشد که همراه با سایر اعضای گروه شان به آداب فرهنگی مناسب دینی و تکلم به زبان خود بپردازند (ماده 27). کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مبادرت به تنظیم میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر نمود؛ تا برای کشورهای تصویب‌کننده، الزام‌آور باشد. سرانجام در سال 1966م. دو میثاق به نام‌های «میثاق حقوق مدنی سیاسی» و «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به تصویب مجمع عمومی رسید. از اعلامیه جهانی حقوق بشر و این دو میثاق به «اسناد جهانی حقوق بشر» یاد می‌شود. هدف از تصویب این میثاق‌ها آن بود تا اصول و معیارهای مندرج در اعلامیه جهانی در قالب اسناد بین‌المللی موثر و الزام‌آور درج گردد. در بحث حاضر شاید بتوان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی را تنها هنجار الزام‌آور حمایت از اقلیت‌ها دانست، زیرا ماده 27 میثاق مزبور مقرر می‌دارد: «در کشورهای که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند (Munshur benalmalali huquq).

این ماده، حق تمتع از فرهنگ خاص خود، حق تدین به دین خود و عمل بر طبق آن و حق تکلم به زبان خود را برای اقلیت‌ها در نظر می‌گیرد. در حق برخورداری از فرهنگ خاص خود، اقلیت‌ها می‌توانند لباس‌های خاص خود را بر تن کرده؛ به آداب و رسوم خاص فرهنگ خود در مراسم و مهمانی‌ها عمل کنند و از ادبیات و هنر خاص خود استفاده نمایند. حق تدین به دین و عمل بر طبق آن از جمله: شرکت آزادانه اعضای اقلیت در مراسم و آداب دینی، عدم اجبار به آموزش تعلیم دین دیگر، حق تأسیس نهادهای مذهبی و ادامه فعالیت آن‌ها می‌شود. در حق تکلم نیز اقلیت‌ها می‌توانند از زبان مخصوص در زندگی اجتماعی و مراسم دینی استفاده نمایند.

با آنکه ماده 27 را تنها هنجار حمایت از اقلیت‌ها شمرده‌اند، ولی سیاق منفی ماده این برداشت را تقویت می‌کند که حقی در این ماده برای اقلیت‌ها شناسایی نشده است. زیرا از عبارت منفی این ماده «تحمیل اقلیت‌ها» نتیجه گرفته می‌شود و «حمایت از اقلیت‌ها» معلوم نمی‌شود. به عبارتی دیگر ماده 27 بیان نمی‌کند: «اقلیت‌ها حقوق معینی خواهند داشت، بلکه بیان می‌کند که آنها از این حق محروم نخواهند شد (Shafaq, 1384).

به نظر برخی دیگر از حقوق‌دانان اصول مندرج در این ماده به دلیل تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به صورت يك اصل کلی حقوق بین‌الملل درباره اقلیت‌ها تبدیل شده است. کمیته حقوق بشر نیز در تفسیر کلی شماره 23 خود مسیر ماده 27 را از یک تعهد منفی به تعهد ایجابی برگردانده است و از اصل عدم تبعیض فراتر رفته است. به هر روی ایمان به مذهب و عمل به شعائر دینی برای اقلیت‌ها در منطوق ماده 27 گنجانیده شده است

(Haftanahma Adalat, 1390).

۱۵) نگاهی به حقوق اقلیت ها در افغانستان

افغانستان کشوری است که از لحاظ ساختار مذهبی، قومی و زبانی قابل مطالعه و حایز اهمیت است. توجه به این واقعیت ها عامل استحکام وحدت ملی بوده و نادیده گرفتن آن ها نگرانی ها، بلکه خطراتی را در پی خواهد داشت.

الف. ساختار مذهبی: از لحاظ دینی اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان بیشتر از ۹۹ درصد مسلمانند، اما از نگاه مذهبی یک دست نیستند. در یک تقسیم بندی کلی، مسلمانان افغانستان به دو دسته بزرگ پیروان مذهب تسنن و تشیع تقسیم می شوند، که هر یک ممکن است به شاخه های فرعی تر تقسیم شوند. بنابراین، مذاهب عمده در کشور عبارتند از:

۱- مذهب حنفی: اکثر مسلمانان افغانستان پیرو این مذهب هستند. پژوهشگران تعداد آن ها را در یک آمار تقریبی 80 درصد تا 87 درصد جمعیت کشور اعلام داشته اند؛ پیروان مذهب حنفی که تنها مذهب رسمی کشور است، از اقوام مختلف پشتون، تاجیک، ازبک، ترکمن، نورستانی، بلوچ و... تشکیل می شود (Dowlatabadi, 1979).

۲- مذهب تشیع جعفری: پیروان این مذهب از اقوام مختلف هزاره، قزلباش، تاجیک و پشتون ترکیب یافته، اما بیش ترین پیرو مذهب تشیع جعفری را هزاره ها تشکیل می دهند، به گونه ای که دو عنوان شیعه و هزاره به صورت مترادف به کار می رود. شیعیان حدود 10 درصد تا 15 درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند

(Sujadi, 1380). از منظر حقوق بین الملل نیز کلیه ملل دارای حق خود مختاری هستند. به موجب این حق، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می کنند اما شیعیان افغانستان به شهادت تاریخ از حق مشارکت سیاسی قسماً محروم مانده اند.

به گفته یکی از مورخان معاصر «هزاره های شیعی، در عین این که در قلمرو دولت افغانستان بوده اند، اما همواره مورد توجه دولت قرار نداشته اند. آن ها همیشه مورد تعدی ملیت پشتون قرار داشته، و از این رو، بیش تر زیر فشار آنان مورد قرار گرفته و آنان مجبور شده اند تا در مناطق کوهستانی مرکز ساکن شوند (Alvin, 1370).

مردم هزاره به فشار های مختلف کشانیده شده و مورد بی توجهی قرار گرفته اند و... و در بسیاری از شؤون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حق اشتراک به آنان داده نشده است (Farhang, 1367)

یکی دیگر از چهره های دینی سیاسی همان حکومت می گوید: «فقط علمای دین و کسانی که مسلمان واقعی هستند، باید حق رأی داشته باشند و دیگران از این حق محرومند. زن حق ندارد رئیس جمهور شود، در نتیجه حق رأی هم ندارد. به نظر میرسد شیعیان نیز مادام که نظر و عقیده خود را تغییر ندهند، آنان هم حق رأی ندارند (به نقل از یونس خالص). به این ترتیب، مادام که نگرش مذهب محور و نژاد بنیان عوض نشود، تبعیض های ناروا و محرومیت طبقاتی همچنان ادامه خواهد یافت و مشارکت سیاسی مذهب محور به طور طبیعی انزوای سیاسی شیعیان را در پی خواهد داشت.

۱۶) حقوق اقلیت های غیر مسلمان در افغانستان

قانون اساسی جدید هندو ها و سیک را از رسیدن به کرسی ریاست جمهوری ممنوع نموده است از در جمع شرایط رییس جمهور یکی از آن موارد مسلمان بودن میباشد. چنانچه در قانون متذکره تذکر رفته است که: رییس جمهور باید افغان، مسلمان و از پدر و مادر مسلمان دنیا آمده باشد. در واقع این ماده قانون هندو ها و سیک های افغانستان را از رسیدن به کرسی ریاست جمهوری ممنوع نموده است. جدا از این مساله هندو ها و سیک ها تاهنوز به چالش های فراوان در افغانستان رو برو میباشد و دولت افغانستان درین رابطه نتوانسته است به تعهدات خود در مقابل جامعه بین المللی عمل نماید.

با وجودی اینکه در قوانین اساسی حکمای گذشته در افغانستان شرط رییس جمهور شدن در افغانستان بر علاوه تمام مسایل پیرو مذهب حنفی بودن نیز شرط اساسی به حساب میرفت. اما در قوانین اساسی تاجایی این موضوع حل گردید، در قانون اساسی جدید مسلمان بودن نیز برای رییس جمهور در افغانستان قید ذکر گردید.

سیک‌های افغانستان زادگاه و کشور آبایی‌شان را ترک می‌کنند و به شدت در حال کم شدن هستند. آن‌ها دلیل این کار را افزایش روزافزون تبعیض و مسایل دیگر ذکر می‌کنند. نظر به گفته‌های بزرگان این جامعه، رقم هندوان افغانستان که در دهه ۱۹۹۰ میلادی به صد هزار تن می‌رسید، امروز به دوهزار و پانصد تن تقلیل یافته است. دلایل ترک سیک‌های افغان، تبعیض بومی و اجتماعی در کشوری است که اکثریت باشندگان آن را مسلمانان تشکیل می‌دهد. عدم توانایی محافظت از حریم، تجارت و پرستشگاه‌های سیک‌ها که سال‌ها قبل به شکل غیرقانونی به تصرف دیگران در آمده، از دیگر دلایل ترک کشور می‌باشد(www.ruiterz.com).

نتیجه گیری

تقریباً همه دولت ها يك یا چندین گروه اقلیت در داخل مرزهایشان دارند که از نظر هویت قومی، زبانی و مذهبی از اکثریت جمعیت مجزا هستند. روابط هماهنگ میان اقلیت ها و بین اقلیت و اکثریت ها و احترام گذاشتن به هویت گروهی یکدیگر، ثروتی عظیم برای جامعه است. بر آوردن آرمان اقلیت ها و اطمینان دادن به حقوق آنها و حفظ حیثیت برای همه افراد، موجب توسعه مشارکت می شود و به کاهش تنش هم در داخل و هم بین دولت ها کمک می کند. اما هنوز تعریف مورد توافقی در سطح جهانی در مورد اقلیت ها وجود ندارد. بطوری که سازمان ملل با وجود آنکه در اعلامیه حقوق متعلق به اقلیت ها آنها را به عنوان اقلیت های مذهبی، قومی، هویتی، نژادی، زبانی و... نام برده است، هنوز در بین کشورهای مختلف جهان تعریف واحدی وجود ندارد. تا همین اواخر، حقوق اقلیت ها و حمایت از آن توجه سازمان ملل متحد را همانند دیگر حقوق انسانها جلب نکرده بود اما اکنون علاقه به این موضوعات افزایش پیدا کرده است. به هر حال هنگامی که تنش قومی، نژادی و مذهبی تشدید می شود آن را نتیجه نقص حقوق اقلیت ها می دانند. امروزه حقوق اقلیت ها در بسیاری از بخش های جهان نقص می شود. جامعه بین المللی تنها در دهه گذشته چنین مقیاس هایی را به کار گرفته است که از آن جمله می توان به تصویب اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی، قومی، مذهبی و زبانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ و متعاقب آن ایجاد کمیسیون فرعی گروه کاری اقلیت سازمان ملل متحد اشاره کرده است. در این مقاله برآنیم که حقوق اقلیت ها را در پیمان نامه های مختلف جهانی و منطقه ای بررسی کنیم. البته باتوجه به نامگذاری این دره به نام عصر جامعه اطلاعاتی و جامعه معرفتی، در پرتو رشد تکنولوژی های نوین ارتباطی و زیر ساخت های آن در سراسر کشورهای جهان، حقوق اقلیت ها نیز اهمیت روز افزونی یافته است و به عبارتی به چالش ها و فرصتهایی برای اقلیت تبدیل شده است. حال ببینیم که چه حقوقی برای اقلیت ها در قوانین و معاهده های بین المللی پیش بینی شده و در اعلامیه های هزاره و اجلاسهای عالی سران برای جامعه اطلاعاتی نیز چه حقوقی برای آنها پیش بینی شده است. موضوع اقلیت ها، مساله تازه ای نیست و یکی از علل ایجاد کمیسیون فرعی پیکار با اقدامات تبعیض آمیز و حمایت از اقلیت ها بوده که از نهادهای مکمل کمیسیون حقوق بشر است (۱۹۹۲) موضوع یکی از نخستین مطالعاتی که این کمیسیون انجام داده است و حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی، قومی، دینی و زبانی مربوط می شود. يك تحقیق مهم دیگر نیز به همین موضوع اختصاص یافته است (گزارش درباره راههای ممکن آسان سازی حل مسالمت آمیز و سازنده مسائل اقلیت ها، این گزارش را آ. اید در ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ تهیه کرده است). از این به بعد شیوه های جدید و موثر حمایت بین المللی از اقلیت ها، رفته رفته مقررات پیش بینی شده برای حمایت از کاملترین سندی که منحصر به حقوق اقلیت ها می پردازد، اعلامیه اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی است که در سال ۱۹۹۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا به تصویب رسیده است. در دیباچه این اعلامیه آمده است که ترویج و تحقیق حقوق متعلق به اقلیت ها در بخش جدایی ناپذیر تحول جامعه در چارچوب دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون است. در ماده اول اعلامیه از دولت های عضو خواسته شده که هویت اقلیت ها را شناسایی و تقویت کنند. مجمع عمومی نیز دولت ها را دعوت کرده که برای ترویج و عملی ساختن شایسته و بایسته اصول این اعلامیه، تمام تدابیر ضروری را بویژه در عرصه قانونگذاری در پیش گیرند.

در ماده دوم اعلامیه مجمع عمومی در مورد اقلیت های ملی، قومی و مذهبی و زبانی آورده است اشخاص متعلق به اقلیت های

ملی، زبانی، قومی، مذهبی حق دارند تا از فرهنگ خود لذت ببرند، مذهب خود را ابراز دارند، از زبان خود استفاده کنند و بطور خصوصی و عمومی آزادانه و بدون دخالت و تبعیض از این حقوق برخوردار شوند و همچنین در بند ۴ و ۵ ماده ۲ می نویسد: اشخاص متعلق به اقلیت ها حق دارند تا انجمن ها و اجتماعات خود را تشکیل دهند و حفظ کنند و حق دارند بدون تبعیض تماس های آزاد و صلح آمیز میان اعضای گروه های خود را برقرار کنند. در ماده ۸ بر ضرورت اجرای مواد و مقررات پیش بینی شده و تعهدات دولتها در قبال اقلیت اشاره دارد. ماده ۲۷ پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۰ معاهده کودک هر دو اشاره می کنند که اشخاص متعلق به اقلیت ها نباید از حق داشتن زندگی فرهنگی محروم شوند. کمیته حقوق بشر ماده ۲۷ نهاد مسوول نظارت بر اجرای پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به موجب مقاوله نامه اختیاری مربوط به همین پیمان، شکایت افرادی را دریافت داشته اند که مدعی بوده اند قربانی نقص ماده ۲۷ شده اند در یکی از این موارد يك زن بومی کانادایی به نام لاولیس به کمیته حقوق بشر شکایت کرده که پس از فسخ نکاح با مردی غیربومی به موجب قوانین داخلی از اعاده حق بومی بودن خود منع گشته است، کمیته حقوق بشر در این مورد رای داد که ماده ۲۷ نقص شده است که در پی این رای کانادا قوانین ملی خود را برای انطباق با حقوق بین المللی تغییر داد.

معاهده پیکار با تبعیض آموزشی که در سال ۱۹۶۰ به تصویب کنفرانس عمومی به یونسکو رسیده است از حقوق اقلیت های ملی برای انجام دادن فعالیت آموزشی مطلوب خودشان حمایت ویژه به عمل می آورد (ماده ۵) و هرگونه تبعیضی را نسبت به هرگروهی از اشخاص ممنوع می کند (ماده اول). شورای اروپا در معاهده پایه ای حمایت از اقلیت های ملی که در نوامبر ۱۹۹۴ به تصویب رسیده، نخستین سند حقوقی الزام آور و چند جانبه ای است که تاکنون به حمایت از اقلیت های بومی اختصاص یافته است. این معاهده که از فوریه ۱۹۹۵ به امضا گذاشته شده، عرصه های تازه ای را مانند حق آزادی زبان و آموزش و پرورش و حق مشارکت در زندگی عمومی می گشاید. در منشور اروپایی زبانهای منطقه ای یا اقلیتی که در ژوئن ۱۹۹۲ به تصویب رسیده پیشنهاد های آموزشی، اداری و قضایی آمده است. اندیشه محوری این پیشنهادها آن است که حق کاربرد زبان های اقلیت در زندگی خصوصی و عمومی حقی سلب ناپذیر است. عرصه دیگری از فعالیت شورای اروپا به رسانه ها مربوط می شود که هدف های زیر را دنبال می کند: تقویت و بهبود آزادی بیان و اطلاعات و نیز حق دریافت و انتقال اطلاعات و اخبار فارغ از در پایان دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ مساله حقوق اقلیت ها به یکی از مهمترین دغدغه های جهانی بدل شده است. در این سالها در واقع شاهد ستیزه های درونی بسیار خشنونت آمیزی بوده ایم که گسترش آنها با درد و رنج های انسانی بسیاری، آوارگی انبوه انسان ها و اختلال وخیم در حیات اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است، به این درگیری ها و ستیزه های درونی به ظاهر حل ناپذیری که آفریقا، آسیا و امریکای لاتین را به آشوب کشانیده است، درگیری های جدیدی افزوده شده که زاده فروپاشی اتحاد شوروی سابق و تجزیه یوگسلاوی سابق هستند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، يك کمیسیون فرعی در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد که کمیسیون فرعی نام دارد و هدف اصلی آن پیکار با نقص و حمایت از حقوق اقلیت ها است. در این کمیسیون يك گروه کاری برای حقوق اقلیت ها تشکیل شده است. استقرار گروه کاری کمیسیون فرعی حقوق متعلق به اقلیت ها به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی در قطعنامه ۱۳۱/۱۹۹۵، ۲۵ جولای ۱۹۹۵ امضا شد که در نشست نهم گروه کاری در ۱۲ تا ۱۶ ژنوسال ۲۰۰۳ دوباره بر این موارد تاکید شد که گروه کاری باید انجام دهد، تقویت حقوق اشخاص متعلق به اقلیت ها

همانطور که در اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های بومی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی آمده است. امتحان راحل‌های ممکن برای مشکلات درگیر اقلیت‌ها شامل حمایت و درك متقابل بین اقلیت‌ها و میان اقلیت‌ها و دولت و معرفی مقیاس‌های بیشتر برای تقویت و حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی است.

References

- Alvin, T. (1370). *Jabajaie Qudrat, Turjumi Shindukht, khawrazmi, Nashar Now*. Tahrán.
- Bayat, A. (1398). *Farhang Vazaha*. Nashar, Samt.
- Bulmer, M. (1986). *Race and Ethnicity*. In: Robert G. Burgess (ed.), *Key Variables in Social Investigation*. Routledge and Kegan Paul.
- Dowlatabadi, B. A. (1979). *Shanasnahma Afghanistan*. <https://tinyurl.com/38k9tyv7>
- Emadi, Ha. (1997). The Hazaras and their role in the process of political transformation in Afghanistan.(ny).
- Farhang, (2004). *Baritika, Nashar, hazam*. Kabul, Afghanistan.
- Farhang. M. (1367) *Afghanisatn Dar Panch Qarn akhir*, <https://tinyurl.com/2tpuubf5>
- Haftanahma Adalat, antasharat wazarat adliya Afghanistan. (1390). Kabul Afghanistan.
- Halamiye Huquq Bashar, <https://tinyurl.com/yp7j7jtt>
- Konwansiyon Binalmalali Rafh har Now Tabhiz, Nezadi. <https://tinyurl.com/32ev7thh>
- Konwansiyon Pishgiry va Majazat Janayat Kushtar Guruhi (1949). <https://tinyurl.com/2mc85bs6>
- Manshur Sazman Malal. <https://tinyurl.com/4x4umjrc>.
- Munshur Benalmalali Huquq Madani va Sayasi Sazman Malal. <https://tinyurl.com/mr239bh7>
- Roland, B. (2019). *Ketab Qawom Shanasi Sayasi, Turjuma Naser fakohi*. Intasharat Nay, Tahrán.
- Shafaq, M. R. (1384). *Huquq Haqalyet Ha dar Huquq Benalmalal, Roznahma shahrwand Bamyán*. Afghanistan.
- Sujadi, A. (1380). *Jamaha Shanasi Afghanistan*. Nashar, bustan Katab, Qum, Iran.
- Walters, F. P. (1937). *Tarikh Jamahaye milal, Turjuma faridun zand farnd, antisharat hamuzesh inqilab Islami*, Tahrán.

Zamani, K, M. (1386). *huquq tarilki haqalyet ha dar Afghanistan, nashar gahnamah, danashgadah olum ejtamahi danishgah* Kabul. Afghanistan.

Zulhyn, M. (1374). *Huquq Haqalyet ha, Makalay, Elektonigi, Nashar*, Tahrn, Iran.
www.8am.com

www.hawzah.net

www.shafaqnet.com